

فروش طیور؛ خوب، بد، زشت...!

سپهرغرب، گروه شهر - عباس سریشی: عرضه و فروش طیور زنده فی‌نفسه مخاطره‌برانگیز نیست، بلکه فقدان نظارت و کنترل بر شیوه عملکرد این صنف است که می‌تواند ما را تا مرز بحران پیش ببرد.

بی‌شک رابطه انسان و حیوانات اعم از طیور و چهارپایان و حتی ایزیان از نخستین روزهای آغاز حیات بشر بر روی کره زمین شروع شده و حتی بسیاری از افراد معتقدند که در اصل حیوانات یک هدیه از طرف طبیعت به ما هستند که زندگی بدون آن‌ها سخت خواهد بود، زیرا آن‌ها به‌صورت بسیار گسترده برای تأمین غذا، لباس، دارو و حتی برای نیازهای اقتصادی مورد استفاده انسان‌ها قرار می‌گیرند.

با گذشت زمان و پُررنگ‌تر شدن نقش حیوانات در زندگی بشر، روابط انسان و حیوان تا جایی پیش رفت که نگهداری از آن‌ها به‌عنوان یک اصل بسیار مهم شناخته شد؛ بدین معنا که نیاز انسان به غذا و همچنین انجام کارهای روزمره خود، او را بر آن داشت تا در کنار استفاده از دیگر زمینه‌های طبیعی همچون گیاهان و مواد معدنی و غیره که بر روی کره زمین برای زندگی‌اش در اختیار وی قرار گرفته بود، از حیوانات هم بهره‌برد. برای همین به رام کردن برخی از حیوانات پرداخت تا از گوشت، پوست و شیرشان برای تغذیه و از قدرت و توانایی آن‌ها برای انجام کارهایی مانند شخم زدن، بارکشی، حرکت از نقطه‌ای به نقطه دیگر و حتی نگهدانی استفاده کند. اما با پیشرفت دانش بشری و اختراع ابزارهای جدید، استفاده از حیوانات نیز لاجرم دست‌خوش تغییر و به‌کارگیری آن‌ها در بسیاری از زمینه‌ها منسوخ و یا بسیار محدود شده است، مگر اینکه کسی بخواهد به‌صورت تفریحی دست به چنین اقدامی بزند. گرچه در سبک زندگی روستایی هنوز هم به غیر از موارد معدود، همراهی انسان و حیوان ادامه دارد، اما در زندگی شهری دیگر نه‌فقط نگهداری حیوانات ضروری ندارد، بلکه حتی می‌تواند موجب بروز مشکلات ناخواسته‌ای نیز برای شهروندان شود. موضوع این است که نگهداری حیوانات خانگی در زمان‌های گذشته مشکل و معضلی چندان جدی نبود و حتی خانه‌های بزرگ و حیاطدار امکان نگهداری از همه انواع حیوانات اهلی را فراهم می‌کرد. مضاف بر اینکه نوع زندگی هم به شکلی نبود که داشتن و نگهداری چند حیوان مشکل خاصی به‌وجود آورد، اما امروزه سبک زندگی آپارتمان‌نشینی وضعیت را کاملاً دگرگون کرده و آنچه وجود دارد، صرفاً فضاهای کوچکی است که درون خانه‌ها باید با حیوانات خانگی به اشتراک گذاشته شود.

ذکر این نکته نیز ضروری است که جدای از بحث تغذیه و استفاده‌های کاری، در سبک زندگی شهری نیز همراهی حیوانات با انسان شکل جدی‌تری به خود گرفته؛ بدان معنا که با توجه به محدودیت‌هایی که در سبک زندگی شهری وجود دارد، گرایش به نگهداری حیوانات متناسب با آن بیشتر شده است که اغلب آن‌ها جنبه تربیتی و سرگرمی دارد. چیزهایی مثل انواع طوطی، بلبس، قناری، مرغ عشق و با درنهایت نگهداری یکی دو مرغ و خروس. حال نکته اصلی مطلب ما این است که همه حیوانات اعم از زینتی و یا مصرفی می‌توانند به‌صورت بالقوه و حتی بالفعل بیماری‌هایی را به انسان‌ها منتقل کنند که نه‌فقط سلامت فرد، بلکه اعضای خانواده وی را نیز به مخاطره بکشاند. بیماری نیز طبیعتاً زمانی منتقل می‌شود که شما حیوانی خانگی را لمس می‌کنید و یا با مدفوع، ادرار، بزاق و غذای آن‌ها در تماس قرار می‌گیرید. بنابراین توجه به شکل نگهداری، عرضه و حتی پرورش این جانوران، امروزه از اهمیت بسیار زیادی در ایجاد و سوبه‌های سلامت و بهداشت، فرهنگی و اجتماعی برخوردار است.

از منظر برخی کارشناسان این تصور وجود دارد که نگهداری حیوانات (البته به‌صورت محدود) ممکن است مشکل چندان‌ی را به همراه نداشته باشد، اما وقتی با مراکزی مواجه می‌شویم که در حجم بالا و صداآلوده فارغ از همه الزامات بهداشتی و زیست‌محیطی اقدام به نگهداری و عرضه این‌گونه حیوانات (عمدتاً طیور خانگی) می‌کنند، ناخواسته موجبات بروز برخی حاشیه‌آفرینی‌ها فراهم خواهد شد که نه شایسته شهروندان و فرهنگ شهرونشینی است و نه منطق با پایستگی‌های بهداشت و سلامت فردی و جمعی.

طی چند سال گذشته نیز به علل مختلف اعم از تغییرات جوی و مهاجرت پرندگان بیمار، چند مرحله شاهد بروز برخی تکانه‌های مغایر با بهداشت و سلامت عمومی و با بروز بیمارهای مربوط به پرندگان بودهایم که اگرچه با کنترل به‌موقع، معدوم‌سازی

طیور بیمار و انجام درمان‌های لازم وضعیت به حالت عادی بازگشت، اما این توان را نیز داشت که با به صدا درآوردن زنگ هشدار و خطر، آذنان متولیان سلامت و بهداشت عمومی و نیز مدیران شهری و مردم را به برخی بی‌مبالاتی‌ها و رفتارهای غیر مسئولانه در این حوزه و صنف متوجه و متمرکز کند که می‌تواند در کوتاه‌ترین زمان بیشترین تعداد از افراد و خانواده‌های یک شهر یا منطقه را به مرز خطر و تهدید سوق دهد.

زندگی آرام در جوار خطر

و اما داستان فروش طیور زنده در همدان نیز مانند بسیاری دیگر از شهرها نه خیلی عجیب است و نه غریب، بسیاری از همشهریان هنوز داستان بوی نامطبوع، فضاولات و نیز وضعیت غیر بهداشتی و صحنه‌های دل‌آشوب‌کننده و ناخوشایند فروش و ذبح آن‌ها را در میدان اسام و یا مجاور برخی مراکز تجاری به یاد دارند که قطعاً همین اوضاع نابسامان و مخاطره‌برانگیز بود که باعث شد مدیریت شهری ایشان را به مکانی دیگر (میدان عین‌القضات و منطقه پشت همکثانه و درنهایت مکان جدید واقع در پایانه قدیم) منتقل کرده تا به‌نوعی فضای جدید شهری بتواند آماده و مستعد پذیرش و پذیرایی از گردشگران داخلی و خارجی شود.

اما مسئله مهمی که گویا در همان زمان مغفول ماند و مورد توجه قرار نگرفت، تجربیات حاصل از انتقال پرندفروشی‌ها از یک محل به محل دیگر است. به این صورت که با انتقال فروشندگان طیور به مکان جدید و متعاقباً گسترش فعالیت این صنف، مشکلات جدیدی در بافت دیگری از شهر ایجاد شد که مورد شکایت شهروندان و تذکر متولیان بهداشت و فرهنگ قرار گرفت؛ این تصور وجود دارد که در آینده نه‌چندان دور محل جدید و یا اماکن مشابه اختصاص داده‌شده به ایشان نیز مبتلا به همان عوارض و حاشیه‌های پُررنگ‌تر از متن قبلی شود.

البته کارشناسان معتقدند که اگر بخواهیم نقدی

مشتریان و یا فضایی امن جهت نگهداری پرندگان است، چون سرمایه آنان موجودات زنده هستند و هرگونه تغییر حساب‌نشده باعث تلف شدن آن‌ها می‌شود.

درعین‌حال و مبتنی بر گفت‌وگوی خبرنگاران سپهرغرب با تیی چند از طیورفروشان، این‌گونه عنوان شد که در مکان جدید به‌علت دوری از دسترس مردم و کاهش فروش، درآمد ایشان نیز به نحو چشمگیری کاهش یافته؛ بنابراین آنان تقاضای

مساعدت درخصوص کاهش اجاره‌بهای مغازه‌ها را در فصول سرد دارند، البته این کاهش‌بهای اجاره یکبار با مساعدت مسئولان محقق شده، اما بازهم با درآمد ایشان خوانایی ندارد. درعین‌حال به‌علت عدم تبلیغ و ناآشنایی مردم با این مکان، تقریباً به‌جز جمعه‌ها که بازار کمی رونق می‌گیرد، بقیه روزهای هفته را باید بی‌مشتی بسر کنند و این یعنی کاهش درآمد چشمگیر برای شاغلان این صنف.

البته در روی دیگر این سکه نیز حقوق شهروندانی است که به‌دلیل تجمع پرندفروشان در نزدیک محل سکونت آن‌ها، نادیده گرفته شده است؛ ازجمله این حقوق بهره‌مندی از فضای بهداشتی در محل سکونت، رعایت اصول زیباسازی و بصری شهری، جلوگیری از تردد و توقف‌های آسیب‌زا در محل سکونت و یا اشتغال بوده که در این مورد به‌خصوص، از منظر کارشناسان سلامت و محیط با توجه به احتمال شیوع

بیماری‌های مشترک میان دام و طیور با انسان، باید

بسیار دقت نظر و احتیاط به خرج داد. البته ذکر این نکته نیز ضروری است که با همت شهرداری و ارگان‌های مسئول، مکان فعلی (بازارچه موقتی فروش طیور) در وضعیتی به‌مراتب بهتر از قبل قرار دارد که می‌تواند نویدبخش آینده بهتری برای این حوزه باشد؛ بااین‌حال نباید فراموش کرد که اکثفا به حداقل‌های موجود اساساً یک اشتباه بزرگ بوده و در جهت رسیدن به استانداردهای قابل قبول، باید نگاهی حداکثری به کمیت و کیفیت عملکردها داشت.

بنابراین با امان به این موضوع، بسیاری از تحلیلگران معتقدند که اگر استفاده و هم‌جواری با واحدهای صنفی مذکور این توانایی را دارد تا برای همشهریان آسیب‌هایی جدی ازجمله شیوع و انتقال

مشتریان و یا فضایی امن جهت نگهداری پرندگان است، چون سرمایه آنان موجودات زنده هستند و هرگونه تغییر حساب‌نشده باعث تلف شدن آن‌ها می‌شود.

درعین‌حال و مبتنی بر گفت‌وگوی خبرنگاران سپهرغرب با تیی چند از طیورفروشان، این‌گونه عنوان شد که در مکان جدید به‌علت دوری از دسترس مردم و کاهش فروش، درآمد ایشان نیز به نحو چشمگیری کاهش یافته؛ بنابراین آنان تقاضای مساعدت درخصوص کاهش اجاره‌بهای مغازه‌ها را در فصول سرد دارند، البته این کاهش‌بهای اجاره یکبار با مساعدت مسئولان محقق شده، اما بازهم با درآمد ایشان خوانایی ندارد. درعین‌حال به‌علت عدم تبلیغ و ناآشنایی مردم با این مکان، تقریباً به‌جز جمعه‌ها که بازار کمی رونق می‌گیرد، بقیه روزهای هفته را باید بی‌مشتی بسر کنند و این یعنی کاهش درآمد چشمگیر برای شاغلان این صنف.

البته در روی دیگر این سکه نیز حقوق شهروندانی است که به‌دلیل تجمع پرندفروشان در نزدیک محل سکونت آن‌ها، نادیده گرفته شده است؛ ازجمله این حقوق بهره‌مندی از فضای بهداشتی در محل سکونت، رعایت اصول زیباسازی و بصری شهری، جلوگیری از تردد و توقف‌های آسیب‌زا در محل سکونت و یا اشتغال بوده که در این مورد به‌خصوص، از منظر کارشناسان سلامت و محیط با توجه به احتمال شیوع

بیماری‌های مشترک میان دام و طیور با انسان، باید

بسیار دقت نظر و احتیاط به خرج داد. البته ذکر این نکته نیز ضروری است که با همت شهرداری و ارگان‌های مسئول، مکان فعلی (بازارچه موقتی فروش طیور) در وضعیتی به‌مراتب بهتر از قبل قرار دارد که می‌تواند نویدبخش آینده بهتری برای این حوزه باشد؛ بااین‌حال نباید فراموش کرد که اکثفا به حداقل‌های موجود اساساً یک اشتباه بزرگ بوده و در جهت رسیدن به استانداردهای قابل قبول، باید نگاهی حداکثری به کمیت و کیفیت عملکردها داشت.

بنابراین با امان به این موضوع، بسیاری از تحلیلگران معتقدند که اگر استفاده و هم‌جواری با واحدهای صنفی مذکور این توانایی را دارد تا برای همشهریان آسیب‌هایی جدی ازجمله شیوع و انتقال معدوم‌سازی پرندگان بیمار و مشکوک شد، بازهم در



کوتاه زمان همه این افراد و تقریباً با همان شکل و روند، به جای خود برگشتند و علناً تغییر خاصی در شیوه کار و فعالیتشان اتفاق نیفتاد.

واقع امر این است که بازی قائم‌باشک مذکور نشان‌دهنده ناموفق بودن طرح‌های پیشنهادی مسئولان امر در سامان‌دهی پرندفروشان شهر همدان است؛ چراکه هربار احتمال شیوع بیماری‌های مشترک انسان و حیوان بالا می‌رود، پیگیری‌ها شدت می‌یابد و موضوع سامان‌دهی در اولویت قرار می‌گیرد و با فروکش کردن اخبار، مجدد موضوع به حال خود رها می‌شود. این امر نشان‌دهنده آن است که هنوز ابزار قانونی لازم و کافی برای اعلام موفقیت‌آمیز بودن طرح‌ها وجود ندارد و باید مسیر را برای رسیدن به اهداف تغییر داد.

اساساً هر صنف باید براساس نوع و ماهیت فعالیت خود تابع مقررات و الزامات خاصی باشد که درخصوص این گروه باید عنوان کرد به‌دلیل استعداد بالا در بروز بیماری و آسیب‌های بهداشتی و زیست‌محیطی و امان به این موضوع که سلامت و آرامش روانی جامعه در اولویت همه عملکردها قرار دارد، بنابراین علاوه‌بر لزوم دور بودن محل حضور و اشتغال این افراد از اماکن مسکونی، باید تابع یک‌سری خصوصیات ویژه دیگر نیز بود؛ برای مثال اینکه قابل ضد عفونی کردن بوده و حرایم آن مشخص باشد و درعین‌حال نغرات شاغل نیز از الزامات و پیش‌نیازهای

فعالیت در این حوزه اطلاع لازم را داشته باشند. همچنین براساس نظر کارشناسان صدور مجوز فعالیت و سلامت برای شاغلان این صنف یکی از مهم‌ترین الزاماتی است که رسماً تاکنون مغفول مانده، زیرا طبق بررسی‌ها متأسفانه نه‌فقط تعداد کمی از این افراد داری مجوز رسمی فعالیت هستند، بلکه موضوع قابل تأمل دراین‌بین آن است که کارشناسان معتقدند اگر هم قبلاً برای عده‌ای پروانه کسب صادر شده، این پروانه بدون نظر دامپزشکی بوده و اساساً مورد تأیید این سازمان نیست و ارگان می‌گذرد و هیچ نشانگانی دال بر تعیین تکلیف نهایی این صنف جماعت شاغلان در آن دیده نمی‌شود و آتش همان آتش چند سال قبل است و کاسه هم همان کاسه؛ حتی در پی بروز چند مورد بیماری آنفلوآنزا طی سال‌های قبل که باعث تعطیلی و متعاقباً معدوم‌سازی پرندگان بیمار و مشکوک شد، بازهم در

از این اماکن بازدید کرده و نسبت به پیگیری و رفع معایب فعال باشند که متأسفانه این کار نیز هیچ‌گاه به‌صورت ریشه‌ای دنبال نشده و فقط به‌صورت دوره‌ای و برحسب رخداد خاص انجام گرفته؛ گو اینکه درحال حاضر نیز حضور تنی چند از نمایندگان این نهادهای به‌عنوان ناظر و مراقب در محل جدید، چندان مورد حمایت و پشتیبانی‌های مورد نیاز نیست و این افراد با وجود تلاش در جهت انجام وظایف خود، در برابر همه و حجم افراد گریز، کار چندان‌ی از پیش نمی‌برند.

کارشناسان سلامت تصریح می‌کنند که شرایط شکستنده حاکم بر این اماکن به‌صورت بالقوه مستعد بروز برخی بیماری‌های خاص پرندگان مانند پلوروم، تیفوئید، وبای طیور، کریزای عفونی، ابله، کامپورو و غیره است که این امر نشان می‌دهد قرابت بی‌توجهی مسئولان و عدم نظارت نهادهای متولی چه تبعات زیست‌محیطی و ضد سلامتی را برای شهر و شهروندان و به‌خصوص فروشندگان این طیور در پی دارد؛ گو اینکه در محل جدید نیز با توجه به برخی تمهیدات صورت‌گرفته (ساخت چاه معدوم‌سازی تلفات، حضور ناظران بهداشت و مدیریت و سامان‌دهی ذبح و پُرکشی)، تاحدودی مشکلات برطرف شده، اما بازهم نباید غافل بود که همه این فعالیت‌ها هنوز جنبه موقتی و ذم‌دستی داشته و نمی‌توان برای بلندمدت به آن‌ها تکیه کرده و یا امیدوار بود.

بیلاق و قشلاق ناهنجاری...

اگرچه ما نیز عمیقاً بر این باوریم که خریدوفروش طیور یکی دیگر از مشاغل حلال و منطقی بوده و فعالان این صنف با عرق جبین به دنبال کسب یک لقمه نان حلال هستند و با وجود برخی مشکلات صنفی نمی‌توان و نباید که ایشان را از فعالیتشان بازداشت، اما درعین‌حال نمی‌شود از این حقیقت نیز غافل بود که گاهی نوع و کیفیت برخی مشاغل به‌گونه‌ای است که می‌تواند در کوتاه‌مدت تمامی تلاش‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها برای اعتلا و توسعه بهداشتی، روانی و فرهنگی یک شهر را به باد داده و ریشه‌ها را پنبه کند.

درواقع روایت این مکان بیشتر داستان بازار مکاره است که جدا از بحث بهداشت و سلامت فردی و جمعی، می‌توان در هر گوشه آن همه نوع مصادیق کج‌فرقاری و حیوان‌آزاری را دید. جایی که نه اخلاق در آن حاکم است و نه احساس و عاطفه؛ موضوع این است که حضور همه نوع طیف از افراد اعم از روستایی و شهری، پیر و جوان و حتی معتادان و ولگرد‌ها در این بازار بی‌دروپیکر که هرکدام کیسه و کارتنی با چند مرغ، جوجه، کبوتر و غیره را برای فروش آورده‌اند (به‌خصوص در روزهای جمعه)، نه‌تنها به‌خودی‌خود ناقض نظم و ترافیک و تردد عمومی است، بلکه حتی شائبه‌هایی از مال‌خوری، سرقت و یا سوء استفاده از حیوانات برای مسائلی مثل جنگ خروس‌ها، مسابقه کبوترپرانی و غیره را نیز به همراه دارد که به‌نوبه خود قابل تأمل بوده و باید بدان‌ها توجه خاص کرد.

کارشناسان این رسانه معتقدند به موازات حمایت از اشتغال و فعالیت حلال و منطقی، باید اجازه داد هر صنف یا گروهی به‌دلیل وجود تبعات زیست‌محیطی، ضد ارزشی و حتی غیر اخلاقی، امنیت و سلامت یک جامعه را به مخاطره بکشاند و یا قرائندها و دستاوردهای پرهزینه در محث فرهنگ‌سازی و توسعه ارزشی یک شهر را در چشم غریبه و آشنا تحت شعاع قرار دهند. مضاف بر اینکه اگر قرار است همتی برای سامان‌دهی شاغلان این صنف صورت گیرد، پس لاجرم باید این شیوه برخوردی شامل همه بوده و این گونه نباشد که عده‌ای با تمکین به قانون خود را در محیط بازارچه جدید محدود کنند و عده‌ای کماکان و بودن دغدغه کارتن و گونی به دست در محل‌های قدیمی و مرکزی شهر بدون نگرانی از هرگونه برخورد و تذکر، مشغول کاسبی باشند.

قطعاً بیلاق و قشلاق اجباری و هرازچندگاهی این صنف اساساً و هیچ‌گاه چاره کار ما نبوده و نیست و باید یکبار برای همیشه این موضوع را تعیین تکلیف کرد و به سامان رساند؛ البته فرقی هم نمی‌کند که این موضوع در خصوص کبوتر و قناری‌فروشان راسته مظفریه باشد و یا طیورفروشان عین‌القضات، میدان امام و پایانه و نه حتی دام‌فروشان ورودی‌های همدان، چراکه وقتی قرار باشد شهر مبتلا به یک اپیدمی حیوانی شود، مهم نیست از کجا آمده، بلکه مهم این است که آن روز ما چه توان سنگینی را برای این بی‌مبالاتی باید بپردازیم، درحالی که می‌شود با یک پیشگیری کم‌هزینه، مسیر آن را سد کرد!